

دوجبهانی شدن ها و حساسیت‌های بین فرهنگی مطالعه موردی روابط بین فرهنگی اهل تسنن و تشیع در استان گلستان

سعیدرضا عاملی^۱

دانشیار گروه ارتباطات دانشگاه تهران

حمیده مولایی^۲

دانشجوی دکتری مطالعات اندونزی، دانشگاه نیو ساوت ولز استرالیا

چکیده

این مقاله به بررسی حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تشیع و ترکمن‌های اهل تسنن در استان گلستان می‌پردازد. به‌منظور تبیین حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه، از سنجه حساسیت‌های بین فرهنگی براساس مدل نظری شش مرحله‌ای حساسیت‌های بین فرهنگی میلتون بنت، استفاده شده است. بر مبنای نظریه حساسیت‌های بین فرهنگی، توسعه ارتباطات عامل مهمی در کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی است. در این تحقیق به رویکرد دوفضایی توجه شده و با هدف سنجش توسعه ارتباطات، از دو قلمرو سنجش مجازی و سنجش حضوری استفاده شده است. بدین منظور به بررسی رابطه بین میزان استفاده افراد از رسانه‌ها - به‌ویژه اینترنت و ماهواره - با حساسیت‌های بین فرهنگی افراد پرداخته شده است. در مرحله دوم، توسعه ارتباطات افراد در محیط واقعی با توجه به محل سکونت آنها سنجیده شده و رابطه آن با میزان حساسیت‌های بین فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد توسعه ارتباطات مجازی (ارتباط افراد از طریق رسانه‌ها) و ارتباطات فیزیکی (تعامل افراد در محل سکونت) منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی می‌شود. از این منظر می‌توان یکی از منابع و عوامل اصلی توسعه حساسیت‌های بین دینی و بین قومی را ناشی از عدم تعامل اجتماعی دانست که برای کاهش آن، توسعه زمینه ارتباطات اجتماعی در میان اقوام و پیروان مذاهب توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ارتباطات، ارتباطات میان فرهنگی، اهل تسنن، اهل تشیع، جبهانی شدن، حساسیت‌های بین فرهنگی، فرهنگ.

1. ssameli@ut.ac.ir

2. hamideh.molaei@gmail.com

با توجه به ظهور جهان مجازی و سرعت گرفتن صنعت حمل و نقل، وارد دوره جدیدی از ارتباطات بین فرهنگی شده‌ایم که «محیط جدید ارتباطی» را منعکس می‌کند. در این محیط ارتباطی جدید، شاهد گسترش روابط میان گروه‌های مختلف خصوصاً در کشورهایی هستیم که از تنوع قومی و فرهنگی بالایی برخوردارند. در این شرایط افراد به درک جدیدی از خود و دیگری دست یافته‌اند که می‌تواند با تعاریف سنتی آنها متفاوت باشد. نوع نگرش افراد، بر جهت‌گیری‌های هویتی آنان در تعامل با اعضای سایر گروه‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد. از سوی دیگر باید توجه داشت شناخت فرد از خود، بر اساس ویژگی‌های هویتی است که از زمان کودکی در وی نهادینه شده است. گاهی فرد در تعریف کیستی خود به مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی خاص مانند زبان، آداب و رسوم و مذهب تکیه می‌کند و بنابراین همه افرادی را که در این ویژگی‌ها با او مشترک باشند، در گروه فرهنگی و هویتی خویش جای می‌دهد و بر این اساس به تعریف «ما» و «دیگری» می‌پردازد. همچنین باید توجه داشت فرهنگ شامل عناصر متعددی از جمله آداب و رسوم و مذهب است. فرهنگ عنصر متمایزکننده افراد یک قوم از سایرین محسوب شده و به همین جهت، سبب ایجاد حساسیت میان دو گروه فرهنگی مختلف در تعامل با یکدیگر می‌شود. حساسیت بین فرهنگی متغیر مهمی در موقعیت‌های مختلفی است که برای تعامل با افراد سایر گروه‌ها به کار می‌رود (گرین هلتز، ۲۰۰۰: ۶۱۲). در واقع حساسیت بین فرهنگی توانایی به رسمیت شناختن دیدگاه‌های متعدد در مورد یک موضوع یا رفتار با هدف تصدیق ارزش‌های فرهنگی خود و دیگری است (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۱). امروزه با توجه به جهانی شدن فزاینده بازارهای جهانی، این توانایی ضرورت بیشتری پیدا کرده است. تماس‌های چندفرهنگی جلوه‌ای حقیقی از زندگی روزانه و از جمله ضرورت‌هایی هستند که ما مهارت‌ها و توانایی‌هایمان را [برای آن] توسعه می‌دهیم که برای جامعه چندفرهنگی و زندگی در جامعه جهانی مؤثر هستند (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۱). از این رو می‌توان گفت جهانی شدن ارتباطات از مهم‌ترین عوامل مرتبط با حساسیت‌های بین فرهنگی است. مهم‌ترین ویژگی جهانی شدن، جهانی است، حاصل شده است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

در دوره کنونی ارتباطات میان فرهنگی اهمیت فزاینده‌ای یافته و محققان، تحقیقات متعددی



در حوزه‌های مختلف آن از جمله مهارت ارتباط بین فرهنگی^۱ و حساسیت بین فرهنگی انجام داده‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مطالعه‌ای با عنوان «رابطه مهارت ارتباطات بین فرهنگی با اضطراب^۲ و کنترل آن به نحوی که دانشجویان بین‌المللی توضیح می‌دهند» توسط ریدموند و بونی^۳ در سال ۱۹۹۳ انجام گرفته است. در این مطالعه، مهارت ارتباط بین فرهنگی در قالب مفاهیمی چون کارایی ارتباطی، انطباق، ادغام اجتماعی، مهارت زبانی و دانستن فرهنگ کشور میزبان تعریف شده است. میزان انطباق گزارش شده از سوی افراد، به‌عنوان بهترین پیش‌بینی‌کننده میزان اضطراب گزارش شده در نظر گرفته شد و میزان کارایی ارتباطی، انطباق و ادغام اجتماعی گزارش شده از سوی افراد، به‌عنوان بهترین پیش‌بینی‌کننده میزان کنترل اضطراب آنان به حساب آمد.

کلک و مارتین^۴ تحقیقی را در سال ۲۰۰۳ منتشر کردند که به مطالعه تغییرات نگرش‌های دانشجویان نسبت به تفاوت‌های فرهنگی می‌پرداخت. این تحقیق زمانی انجام شد که دانشجویان در همایشی که در مورد فرهنگ‌های آمریکای لاتین برگزار می‌شد، در دانشگاه میامی در اوهایو در پاییز ۱۹۹۶ شرکت کرده بودند. با به‌کارگیری مدل حساسیت‌های بین فرهنگی و ابزار پیمایشی مرتبط با آن، نگرش‌های دانشجویان نسبت به تفاوت فرهنگی و اینکه چگونه در مواجهات بین فرهنگی خود آن را به‌کار می‌گیرند، سنجیده شد. نتایج ابتدایی این تحقیق نشان داد برگزاری جلسات، به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی دانشجویان کمک می‌کند (کلک و مارتین، ۲۰۰۳).

همچنین اندرسون و همکاران در سال ۲۰۰۵ با استفاده از سنج حساسیت‌های بین فرهنگی بنت به ارزیابی میزان حساسیت‌های بین فرهنگی در میان دانشجویان پرداختند. در مرحله نخست انجام این تحقیق، سنج مورد نظر قبل از مسافرت دانشجویان به خارج از کشور، در اختیار آنان قرار گرفت و توسط این افراد پاسخ داده شد. در مرحله دوم، پس از گذشت چهار هفته و بازگشت آنان از مسافرت، مجدداً این سنج توسط این گروه از دانشجویان پاسخ داده شد. نتایج این تحقیق نشان داد برنامه‌های کوتاه‌مدت تأثیر مثبتی بر توسعه کلی حساسیت‌های بین فرهنگی دارد (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۵).

1. Intercultural Communication Competence
2. Stress
3. Redmond & Bunyi
4. Klak & Martin



وستریک و یوئن^۱ نیز در سال ۲۰۰۷ به مقایسه سطوح حساسیت‌های بین فرهنگی معلمان دبیرستانی در چهار مدرسه هنگ‌کنگ پرداختند که از سنجه حساسیت‌های بین فرهنگی استفاده کرده بودند. نتایج این تحقیق دیدگاهی را درباره فهم معلمان از هویت فرهنگی خود و دیگران در اختیار آنان قرار داد. یافته‌ها در این مطالعه، منحنی‌های سنجه توسعه بین فرهنگی^۲ منحصر به فردی را برای هر یک از چهار مدرسه و نیز دامنه گسترده‌ای از امتیازات سنجه توسعه بین فرهنگی را در هر مدرسه نشان می‌داد (وستریک و یوئن، ۲۰۰۷).

مطالعه دیگری در سال ۲۰۰۹ با عنوان «عناصر انتقادی مهارت فرهنگی ارتباطات در مواجهات پزشکی»، توسط تیل و استریت^۳ در آمریکا انجام شد و نویسندگان مقاله به ارائه مدلی در زمینه مهارت فرهنگی ارتباطات پرداختند که چهارچوبی از مطالعه مهارت فرهنگی را در عمل ارائه می‌کند. این مدل به منظور پرورش حساسیت پزشکان نسبت به تغییرات فرهنگی در بیماران به‌عنوان پایه‌ای برای مهارت ارتباطات پزشکی آنان در مواجهه با بیماران طراحی شده است (تیل و استریت، ۲۰۰۹).

انجام این تحقیقات در جوامع چندفرهنگی، به دلیل وجود تماس‌های بین فرهنگی بیشتر، ضرورت و اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند؛ ضرورت و اهمیت تحقیق حاضر میان اهل تشیع و تسنن در ایران نیز به همین مسئله برمی‌گردد. ایران به‌عنوان یک موزائیک فرهنگی متنوع، دارای قومیت‌ها و مذاهب مختلفی است که هر یک از آنها در نقطه‌ای از کشور و در تعامل نزدیک با گروه‌های دیگر جامعه قرار دارند و حساسیت‌های آنها با توجه به قوم و مذهبشان در مواجهه با سایر گروه‌ها متفاوت است. از طرف دیگر، ایران همگام با بیشتر کشورهای جهان، تحت تأثیر توسعه فناوری‌های ارتباطی از جمله ماهواره، اینترنت و تلفن همراه قرار دارد. بنابراین جامعه جدید که به‌طور حتم شامل جامعه ایرانی نیز می‌شود، هم در جهان فیزیکی و هم در جهان مجازی در معرض ارتباط جهانی قرار گرفته و ارتباط بین دینی و بین قومی نیز در محیطی دوفضایی شده و دوج جهانی شده صورت می‌گیرد. شناخت دامنه حساسیت‌های بین فرهنگی ترکمن‌های اهل تسنن نسبت به اهل تشیع در استان گلستان نیز در چنین محیط و فضای مورد ارزیابی قرار گرفته است.



1. Westrick & Yuen
2. Intercultural Development Inventory (IDI)
3. Teal & Street

از جمله گروه‌های قومی-مذهبی متمایز در ایران که همواره در تعاملی نزدیک با گروه اکثریت مذهبی کشور یعنی شیعیان قرار داشته‌اند، ترکمن‌های استان گلستان هستند. ترکمن‌ها به‌طور کلی در کشورهای مختلف آسیای میانه از جمله ایران، ترکمنستان، افغانستان، عراق، ترکیه، ازبکستان، قزاقستان، چین و سوریه زندگی می‌کنند اما گروه عمده‌ای از آنها در ترکمنستان ساکن هستند. در حال حاضر، ترکمن‌های ایران بیشتر در جنوب شرقی دریای خزر و در ترکمن صحرا سکونت دارند. ترکمن‌های اهل سنت ایران، «حنفی» و پیرو مذهب ابوحنیفه نعمان بن ثابت هستند.

در این مقاله، ابتدا مفهوم جهانی شدن توضیح داده می‌شود، پس از آن پارادایم دوج جهانی شدن‌ها به‌منظور تبیین مناسب روابط و تغییرات جهان دوفضایی شده کنونی بیان می‌شود و سپس نظریه حساسیت‌های بین فرهنگی بنت به‌عنوان چهارچوب نظری اصلی توضیح داده می‌شود. در نهایت با ارجاع پژوهش صورت گرفته در خصوص رابطه ترکمن‌ها و غیرترکمن‌ها (اهل تشیع و تسنن)، به تحلیل داده‌های تحقیق خواهیم پرداخت.

۱. پارادایم دوج جهانی شدن‌ها و نظریه حساسیت‌های بین فرهنگی

الف - جهانی شدن

جهانی شدن به‌عنوان یک واژه مهم در اواسط دهه ۱۹۸۰ وارد محافل آکادمیک شد (رابر تسون، ۱۳۸۰: ۳۶) و محل بحث‌ها و گفته‌های متفاوتی قرار گرفت (آدام ماتسی، ۲۰۰۵). اگرچه جهانی شدن مفهومی قدیمی است که تجربه‌های متفاوتی را در دوره سنت و تجدد پشت سر گذاشته اما الگوهای مختلفی را در عصر ظهور صنعت ارتباطات همزمان خلق کرده است. این مفهوم در پی وقوع تغییرات مهم در فناوری‌های نوین ارتباطی و سرعت گرفتن صنعت حمل‌ونقل شکل گرفت. جهانی شدن در مفهوم جدید خود معلول «صنعت جهانی ارتباطات» است و به‌عنوان یک روند ارتباطی که موجب «ارتباطات همزمان» و «ظهور فضای واحد ارتباطی» شده، پدیده نوینی محسوب می‌شود (عاملی، ۱۳۸۳: ۲۴).

در تعریفی کلی می‌توان جهانی شدن را توسعه فرامحلی و جهانی مقوله‌های مادی و معنوی دانست که منجر به بازسازی تولیدات جدید در قلمروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده و معنای متفاوتی را در این حوزه‌ها ایجاد کرده است. این تغییر به‌طور اساسی، تحت تأثیر تغییر مفهوم زمان و مکان است. یکی از ویژگی‌های مهم این دوره، غلبه بر محدودیت‌های مکان و جغرافیاست و به این دلیل فضای جدید، اساساً فراملی و یا به تعبیری «بی‌مکان» است (همان: ۲۴-۹).



رابرتسون بانگهای فرهنگی به موضوع جهانی شدن، آن را چنین تعریف می‌کند: «مفهوم جهانی شدن به درهم فشردن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان، به‌عنوان یک کل دلالت دارد» (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۵). در این تعریف، جهانی شدن به‌معنای تبدیل جهان به مکانی واحد است (همان: ۱۲). رابرتسون در این تعریف، به مشخصه «فراملی» به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی اشاره می‌کند. وی عنصر «آگاهی» را نقطه عطفی در فرایند طولانی مدت جهانی شدن می‌داند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۱).

گیدنز مهم‌ترین ساخت جهانی شدن را جهانی شدن ارتباطات می‌داند و معتقد است صنعت ارتباطات به‌عنوان منشأ یکی شدن فضای جهانی است و ارتباطات بین فردی، فرد با گروه و گروه با گروه را متحول کرده است (عاملی، ۱۳۸۳: ۱۹).

جهانی شدن جنبه‌های متفاوتی دارد و مهم‌ترین قلمروهای آن اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات است. آنچه مدنظر این پژوهش بوده و با نظریه اصلی مقاله مرتبط است، جهانی شدن ارتباطات و تعاریف ارائه‌شده از آن توسط تامیلنسون (تامیلنسون، ۱۳۸۱: ۱۴) و عاملی (عاملی، ۱۳۸۳) است که بر خصیصه‌های اتصال، پیوستگی و فشردگی روابط اشاره می‌کنند و کم‌رنگ شدن نقش زمان و مکان در تعاملات اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهند.

تبیین تغییراتی که در دنیای کنونی رخ افتاده و روابط گوناگون را تحت تأثیر قرار داده، نیازمند یک تبیین نظری مشخص است. به همین دلیل در ادامه مقاله به توضیح پارادایم دوج جهانی شدن‌ها که به تبیین توسعه فضای اجتماعی جدید می‌پردازد، اشاره می‌کنیم.

ب - پارادایم دوج جهانی شدن‌ها

پارادایم دوج جهانی شدن‌ها ناظر بر توسعه فضای اجتماعی جدید از جهان فیزیکی به جهان مجازی و به‌تبع از جامعه صرفاً فیزیکی به جامعه مجازی است. با توسعه فضای اجتماعی، ظرفیت جدیدی به جهان واقعی (جهان اول) اضافه شده که از آن به «جهان مجازی» (جهان دوم) تعبیر می‌شود. در واقع در درون این دو جهان که مانند دوقلوهای به‌هم‌چسبیده در تعامل با یکدیگر هستند و استمرار حیات اجتماعی آنها بدون دیگری ممکن نیست، دو واقعیت در جریان است که یکی «واقعیت طبیعی» و دیگری «واقعیت مجازی» است. مهم‌ترین تغییر جهان معاصر که بنیان آینده تغییرات جهان را می‌سازد، رقابتی شدن جهان واقعی و جهان مجازی است (عاملی، ۱۳۸۳، وب‌سایت).

در جهان واقعی، زندگی و فعالیت اجتماعی عینی جریان دارد و جهان مجازی انسان را در مواجهه با واقعیت‌های مجازی قرار می‌دهد (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). جهان اول با برخورداری از



جغرافیا، نظام سیاسی مبتنی بر دولت - ملت، طبیعی - صنعتی و محسوس بودن، و معطوف به احساس قدیمی تر بودن، از جهان دوم قابل تمایز است. جهان دوم با ویژگی‌هایی مانند بی‌مکانی، فرازمانی، عدم محدودیت به قوانین متکی بر دولت - ملت‌ها، برخورداری از معرفت‌شناسی تغییر شکل‌یافته پسامدرن، قابلیت دسترسی و برخورداری از فضاهاى فرهنگى، اعتقادى و سیاسى، به‌صورت نسبى از جهان اول متمایز مى‌شود (عاملی، ۱۳۸۳: ۵۵).

چگونگی شکل‌گیری جهانی‌شدن در این دو جهان نیز قابل توجه است. جهان نخست که از صنایع حمل‌ونقل پرسرعت متأثر است، جهان واقعی را کوچک نموده و موجب شده افراد با زمانی بسیار کوتاه در جهان حرکت کنند. این انتقال سریع، فرایند فراملى کردن تجربه‌ها، اهداف فرهنگى، سیاسى و اقتصادى را در جهان واقعى سرعت بخشیده است. جهانی‌شدن در جهان دوم، متأثر از صنعت همزمان جهانی ارتباطات است (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

جهانی‌شدن‌ها موجد نوعى نگرش در افراد هستند که «جهان‌نگرى» نام دارد. جهان‌نگرى در مقابل بومى‌نگرى و محلى‌نگرى مطرح مى‌شود (عاملی، ۱۳۸۳: ۲۰). به اعتقاد آلبرو، جهانی‌شدن، ارزش‌ها و دیدگاه‌هایی را توضیح مى‌دهد که فرد به‌واسطه آنها خود را در میان جمعیت جهان مى‌بیند و یا نگاهی را منعکس مى‌کند که افق ذهن فرد را در تأثیر و تقابل با همه جهان قرار مى‌دهد. عاملی، خصوصیات و بازتاب‌های این معرفت همه‌گیر را در چند مقوله بررسی کرده که عبارتند از: فرامحلى کردن دیدگاه‌ها، کسب نگاه جمعى و نقش اجتماعى منعطف، توسعه آگاهی فراملى و توسعه جامعه چندمحورى و چندفرهنگى (همان: ۲۴-۲۱).

فرامحلى‌شدن دیدگاه‌ها و کسب نگاه جمعى مهم‌ترین رویدادهایی هستند که منجر به تغییر و تحول در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگى مى‌شوند زیرا در این جریان، مهم‌ترین عنصر ارتباط یعنی نگرش نسبت به گروه دیگر، تغییر پیدا مى‌کند و فرصت‌های جدیدی را در اختیار ارتباط‌گران مختلف قرار مى‌دهد؛ به نحوى که نگرش‌های فرا محلى و جمعى جایگزین نگاه‌های محلى، قوم‌مدارانه و یک‌جانبه‌نگر مى‌شوند.

فرهنگ و روابط بین فرهنگى از حوزه‌های مهم زندگى است که تحت تأثیر جهانی‌شدن، تغییر یافته است. روابط سنتى گذشته، تحت تأثیر ارتباطات که مهم‌ترین بستر جهانی‌شدن است، تغییر کرده و شکل جدیدی به خود گرفته‌اند. برخوردهای بین فرهنگى امروزه با ملاقات‌های گذشته متفاوت است. این برخوردها به دلیل وجود ارتباطات و تماس‌های موجود در دنیا بیشتر شده و از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند (سامووار، ۱۳۷۹: ۲۸). با ظهور ارتباطات الکترونیک



و جهانی شدن، فاصله‌های مکانی بین افراد، مانند گذشته وسعت ارتباطات بین فرهنگی را محدود نمی‌کند (یون کیم، ۲۰۰۸). یون کیم معتقد است از طریق تجربه ارتباطات بین فرهنگی ممتد و فزاینده جهانی، افراد دستخوش فرایند تدریجی تکامل بین فرهنگی شده‌اند (همان).

کیم و هوبارد معتقدند فهم متقابل اعضای فرهنگ‌های مختلف همیشه مهم بوده اما اهمیت آن هیچگاه به اندازه زمان کنونی یعنی آغاز قرن بیست و یکم، نبوده است (کیم و هوبارد، ۲۰۰۷: ۲۲۳). فناوری با ایجاد توسعه در دو زمینه از تلاش‌های انسان، یعنی سیستم‌های حمل و نقل و نظام‌های ارتباطی موجب تسریع ارتباطات بین فرهنگی شده است. انجام سفرهایی که در گذشته، مدت زمان زیادی به طول می‌انجامید، در حال حاضر طی چند ساعت انجام می‌شود. با افزایش امکان سهولت حرکت، احتمالاً با سرعت بیشتری با فرهنگ‌های جدید و متنوع روبه‌رو خواهیم شد. نظام‌های ارتباطی جدید و پیشرفته نیز موجب بهبود و تسهیل در تعامل فرهنگی در دهه گذشته شده‌اند. ماهواره‌های ارتباطی، وسایل انتقال پیچیده تلویزیونی و شبکه‌های تنظیم و اتصال دیجیتال، اکنون امکان استفاده از اطلاعات و نظریه‌ها را در یک زمان برای مردم سراسر جهان فراهم می‌آورند (سامووار، ۱۳۷۹: ۲۸ و ۲۹).

با توجه به مطالب گفته شده آشکار می‌شود تبیین روابط بین فرهنگی در دوره کنونی بدون توجه به جهانی شدن ارتباطات و بسترهای ایجادکننده آن یعنی وسایل ارتباط جمعی جدید، شناخت جامع و مانعی به دست نمی‌دهد. به همین دلیل در این مقاله در کنار تبیین روابط بین فرهنگی افراد در محیط واقعی، توسعه ارتباطات آنان از طریق رسانه‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

ج. نظریه حساسیت‌های بین فرهنگی - از قوم‌مداری مطلق تا قومی‌گرایی نسبی

نظریه حساسیت‌های بین فرهنگی که به منظور تبیین جهت‌گیری‌های افراد نسبت به یکدیگر به کار می‌رود، توسط میلتون بنت ارائه شده است. براساس این نظریه توسعه ارتباطات افراد منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی می‌شود. «حساسیت بین فرهنگی متغیر مهمی در موقعیت‌های مختلفی است که برای تعامل با افراد سایر گروه‌ها به کار می‌رود. این تعامل می‌تواند به صورت اقدام در یک مأموریت بین‌المللی یا به شکل توریسم باشد» (گرین هلتز، ۲۰۰۰: ۴۱۲).



1. Yon Kim
2. Kim & Hubbard
3. Greenholtz

همراهِ و دیگران (۲۰۰۳) حساسیت بین فرهنگی را توانایی ایجاد تمایز میان تفاوت‌های فرهنگی و تجربه آنها تعریف می‌کنند. آنها عبارت «مهارت بین فرهنگی» را جایگزین مناسبی برای این اصطلاح می‌دانند. همچنین حساسیت بین فرهنگی به صورت توانایی به رسمیت شناختن دیدگاه‌های متعدد در مورد یک موضوع یا رفتار با هدف تصدیق ارزش‌های فرهنگی خود و دیگران، تعریف شده است (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۱).

بنت حساسیت بین فرهنگی را نوعی فرایند توسعه‌ای تعریف می‌کند که فرد از طریق آن در خود ظرفیت‌های گسترده‌ای را برای همسازی تفاوت‌های فردی، توسعه می‌دهد (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۳). همان‌طور که گفته شد، این دیدگاه به‌طور کلی بیانگر این مسئله است که توسعه ارتباطات افراد، منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی آنان می‌شود. بدین منظور بنت به ارائه یک مدل توسعه‌ای در ارتباطات بین فرهنگی پرداخته است. او مدل خود را به شش مرحله شناختی و ساختاری تقسیم می‌کند که به صورت پیوستاری از حساسیت‌های فزاینده به سوی نسبی‌گرایی فرهنگی در حرکت است. یعنی حرکت تسلسل‌وار از قوم‌مداری به دیگرمداری که هر مرحله با انواع خاصی از نگرش‌ها و رفتارها نسبت به تفاوت‌های فرهنگی توصیف شده است (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۴). سه مرحله نخست از این مدل شامل دیدگاه‌های قوم‌مدارانه و سه مرحله آخر شامل نسبی‌گرایی قومی است.

در نظریه حساسیت‌های بین فرهنگی بنت، قوم‌مداری شامل سه مرحله است که عبارت است از انکار تفاوت‌ها، دفاع در مقابل تفاوت‌ها و دست‌کم گرفتن تفاوت‌ها. مرحله انکار تفاوت‌ها: در نخستین مرحله یعنی «انکار» فرد تفاوت‌ها را نمی‌پذیرد، به تفاوت‌های فرهنگی بی‌توجهی می‌کند و معتقد است فرهنگ تجربه‌شده وی تنها حقیقت موجود است. این اعتقاد ممکن است به انزوای اجتماعی یا فیزیکی او از سایر گروه‌های فرهنگی منجر شود (اندیکوت و همکاران، ۲۰۰۳، همراهِ و همکاران، ۲۰۰۳). این مرحله شامل دو زیرگروه انزوا^۱ و جداسازی^۲ است (پیچ، ۲۰۰۳: ۴۶۹).

مرحله دفاع در برابر تفاوت‌ها: در مرحله دوم که مرحله دفاع در مقابل تفاوت‌هاست، فرد نوعی ارزیابی منفی از دیدگاه‌های فرهنگی دارد و به نوعی دوگانگی «ما-آنها» یعنی ما و

1. Hammer
2. Isolation
3. Separation





دیگری اعتقاد پیدا می‌کند (اندیکوت و دیگران، ۲۰۰۳). تصور فرد در این مرحله این است که فرهنگ وی تنها فرهنگ عملی و کامیاب است (همر و دیگران، ۲۰۰۳). این مرحله با شناسایی و ارزیابی منفی از تفاوت‌های فرهنگی شکل داده می‌شود (پیچ، ۲۰۰۳: ۴۷۰).

مرحله دست‌کم گرفتن تفاوت‌ها: مرحله سوم «کوچک شمردن تفاوت‌ها» است. در این مرحله فرد با نادیده گرفتن تفاوت‌ها به تأکید بر شباهت‌های بین گروه‌های مختلف فرهنگی می‌پردازد (اندیکوت و دیگران، ۲۰۰۳). در این مرحله مردم تفاوت‌های فرهنگی را با در نظر گرفتن این نکته که همه انسان‌ها در کل برابر هستند، سطحی می‌شمارند و افراد به جای اصرار بر تفاوت‌ها، بیشتر بر شباهت‌ها تأکید می‌کنند (پیچ، ۲۰۰۳: ۴۷۰).

به‌طور کلی مراحل قوم‌مداری بیانگر این مسئله هستند که فرهنگ یک شخص به‌عنوان مرکز واقعیت عمل می‌کند اما از طرف دیگر در نسبی‌گرایی فرهنگی، تجربیات افراد از فرهنگ خودشان به شیوه‌ای منتقدانه در زمینه سایر فرهنگ‌ها بیان می‌شود (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۴).

نسبی‌گرایی فرهنگی که به‌معنای تمایل به پذیرش سایر دیدگاه‌های فرهنگی است، در نظریه بنت شامل سه مرحله پذیرش تفاوت‌ها، انطباق با تفاوت‌ها و ادغام در تفاوت‌های گروه مقابل است.

الف - پذیرش تفاوت‌ها: پذیرش تفاوت‌ها مرحله چهارم از مراحل شش‌گانه حساسیت‌های بین فرهنگی و مرحله نخست نسبی‌گرایی فرهنگی است. در این مرحله فرهنگ یک شخص در سایر زمینه‌های فرهنگی نیز تجربه می‌شود و «پذیرش» تفاوت‌ها به‌معنای احترام قائل شدن برای تفاوت‌های فرهنگی است (اندیکوت و دیگران، ۲۰۰۳). مردم در این مرحله تفاوت‌های فرهنگی را می‌شناسند و برای آنها ارزش قائل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی در رفتار و ارزش‌ها به‌عنوان امری مطلوب و دلخواه پذیرفته می‌شوند؛ تفاوت‌های افراد با استانداردهای گروه خودی سنجیده نمی‌شوند. اصل مهم در این مرحله پذیرش نسبی‌گرایی فرهنگی است؛ به این معنی که یک فرهنگ به‌طور ذاتی بهتر یا بدتر از سایر فرهنگ‌ها نیست (پیچ، ۲۰۰۳: ۴۷۱).

ب - مرحله انطباق با تفاوت‌ها: در مرحله پنجم یا انطباق با تفاوت‌ها، فرد تلاش می‌کند دیدگاه طرف مقابل را جذب کند. در این نقطه تجربه فرهنگ دیگری درک، و رفتار مناسبی را نسبت به آن فرهنگ برمی‌انگیزاند و دیدگاه فرد تا اندازه‌ای گسترش می‌یابد که ساختارهای نسبی سایر فرهنگ‌ها را شامل می‌شود. به عقیده بنت و همکاران، تغییری که در این مرحله

اتفاق می‌افتد صرفاً شناختی نیست بلکه شامل رفتار نیز می‌شود. مردم در مرحله تطبیق قادرند تجربیات فرهنگی جایگزین را در شکل احساسات و رفتار مناسب فرهنگی بیان کنند. اگر فرایند تغییر چهارچوب رفتار و عقاید فرهنگی، عمیق و به‌صورت عادت درآمده باشد، پایه‌ای برای دوفرهنگی یا چندفرهنگی شدن می‌شود (همر و دیگران، ۲۰۰۳).

ج - ادغام در تفاوت‌ها: مرحله ششم یا ادغام و یکپارچگی با تفاوت‌ها، مرحله‌ای است که در آن جهان‌بینی بیش از یک فرهنگ برای فرد نهادینه می‌شود و در نتیجه فرد هویتی پیدا می‌کند که می‌تواند درون و برون چهارچوب‌های ارزشی خاص خود رفت‌وآمد کند. در این مرحله فرد انعطاف بیشتری در حل تضادهای بین فرهنگی پیدا می‌کند (اندیکوت و دیگران، ۲۰۰۳). افراد در این مرحله در نقش حاشیه‌های فرهنگی^۱ و تسهیل‌کنندگان انتقال فرهنگی^۲ عمل می‌کنند (پیچ، ۲۰۰۳).

با توجه به مطالب بالا، در مجموع می‌توان گفت در این فرایند شش مرحله‌ای، فرد به تدریج با وسعت‌بخشی به ارتباطات خود، به تجربیات جدیدی نائل می‌شود و طبق آن با انعطاف بیشتری به تعامل با اطرافیان می‌پردازد. با توجه به اینکه جهان دوم یا جهان مجازی به موازات جهان اول شکل گرفته و با توجه به اینکه خصوصیات این دو به یکدیگر نزدیک است، در این مقاله توسعه ارتباطات در هر دو جهان مجازی و واقعی مورد توجه قرار گرفته است.

مطالعه موردی روابط بین فرهنگی اهل تسنن و تشیع در استان گلستان

مطالعه موردی این تحقیق در گلستان انجام شده زیرا این استان از نظر روابط دو گروه شیعه و سنی دارای اهمیت است. تقریباً نیمی از جمعیت استان ترکمن‌ها می‌باشند که سنی‌مذهب هستند و نیم دیگر آن را اهل تشیع تشکیل می‌دهند. هریک از شهرهای استان گلستان از نظر روابط اهل تسنن و تشیع دارای ترکیب جمعیتی خاصی هستند که برای اهداف تحقیق حاضر مناسب به نظر می‌رسند. در این تحقیق، با توجه به اهداف مطالعه یعنی «بررسی رابطه میزان توسعه ارتباطات و حساسیت‌های بین فرهنگی»، سه شهر از این استان برای جمع‌آوری داده‌ها انتخاب شده است: ناحیه اول شهر آق‌قلا است که بیشتر ساکنان آن را ترکمن‌های اهل تسنن تشکیل می‌دهند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت این شهر ۹۰۳ و ۱۰۹ نفر است. ناحیه دوم گنبد کاووس است که

1. Cultural Marginals
2. Facilitators of Cultural Transition



در آن افراد ترکمن و غیر ترکمن با تعادل جمعیتی نسبتاً یکسانی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و روابط دو گروه شیعه و سنی به‌طور گسترده‌ای با یکدیگر پیوند خورده است. جمعیت این شهر ۶۴۷ و ۲۸۹ نفر است. ناحیه سوم شهر گرگان است که اکثریت جمیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند و اهل تسنن در اقلیت هستند. جمعیت این شهر در مجموع ۳۹۹ و ۴۰۱ نفر است. در مجموع جمعیت این سه شهر ۹۴۹ و ۸۰۰ نفر است.^۱

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش کمی و کیفی و به صورت پیمایشی انجام شده است. این شیوه در پژوهش‌های متعددی از جمله مطالعه اکتشافی فولر در سال ۲۰۰۷ در مورد «تجربیات دانشجویان علوم دینی هنگام تحصیل در خارج از کشور و رابطه آن با حساسیت‌های بین فرهنگی» به کار رفته است؛ همچنین توسط عاملی و همکاران در مجموعه‌ای از پژوهش‌ها با عنوان «انتظارات مسلمانان بریتانیا از دولت» به کار گرفته شده است (عاملی و همکاران، ۲۰۰۴ الف، ب، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ الف و ب، ۲۰۰۷). همچنین در مقاله پژوهشی دیگری با عنوان «رویکرد بین فرهنگی به آمریکاگرایی و ضد آمریکاگرایی»^۲ این روش دنبال شده است (عاملی، ۲۰۰۷).

برای انجام این تحقیق پرسشنامه‌های تهیه شده در سه شهر آق‌قلا، گرگان و گنبد کاووس، به صورت غیر احتمالی، سهمیه‌ای و با اتکا به دسترسی آسان، توزیع و سپس جمع‌آوری شدند. طبق گفته بی (۱۳۸۱) نمونه‌گیری غیر احتمالی در موقعیت‌هایی به کار می‌رود که نمی‌توان از انواع نمونه‌های احتمالی مورد استفاده در پیمایش‌های وسیع اجتماعی استفاده کرد (بی، ۱۳۸۱: ۴۰۳). از دیگر دلایل استفاده از نمونه‌گیری غیر احتمالی در این پژوهش، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

(۱) هیچ آمار رسمی منتشر شده یا فهرست مشخصی از جمعیت این دو گروه مذهبی به تفکیک در این استان وجود نداشت؛ به نحوی که حتی در گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان که براساس سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۸۵ منتشر شده بود، آماری از جمعیت دو گروه شیعه و سنی وجود نداشت؛ همین امر استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی



۱. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان گلستان در سال ۱۳۸۵، (۱۳۸۶) استانداری گلستان، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر برنامه‌ریزی و بودجه

ساده و سیستماتیک را که به فهرست دقیق جامعه آماری نیاز دارد، غیرممکن می‌ساخت. (۲) این تحقیق جنبه اکتشافی دارد و در پی کشف مسائل جدید در روابط اهل تسنن و تشیع است و در نتیجه در پی تعمیم نتایج تحقیق به کل جامعه آماری نیست؛ بنابراین برای جمع‌آوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده شد.

با توجه به توزیع جمعیتی هریک از شهرها بر اساس مذهب، نمونه‌گیری از آنها طبق توزیع مذهبی مربوط به آن شهر انجام گرفت. نمونه مورد مطالعه شامل ۴۰۰ نفر بودند که ۲۰۳ از آنان را اهل تسنن و ۱۹۷ نفر از آنان را اهل تشیع تشکیل می‌دادند. ۵۶ درصد پاسخگویان اهل تسنن را مرد و ۴۳ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند. همچنین ۷۱ درصد اهل تشیع را مردان و ۲۹ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند. پرسشنامه تحقیق شامل دو گروه سؤالات باز و بسته بود. ابتدا با استفاده از سؤالات بسته میزان تعامل روزانه افراد با رسانه‌ها به‌منظور سنجش توسعه ارتباطات مجازی مورد پرسش قرار گرفت. پس از آن میزان حساسیت‌های افراد نسبت به یکدیگر - طبق طیف شش مرحله‌ای بنت - مورد سؤال قرار گرفت؛ اما به دلیل محدودیت سؤالات بسته، تعدادی سؤال باز نیز طرح شد تا مخاطبان با آزادی کامل نظرات خود را بیان کنند و پاسخ‌های آنها به گزینه‌های ارائه‌شده محدود نشود.

یافته‌های تحقیق در دو بخش تنظیم شده است: در ابتدا میزان تعامل افراد با رسانه‌ها سنجیده می‌شود و رابطه آن با میزان حساسیت‌های بین فرهنگی افراد بررسی می‌گردد، سپس به بررسی اندازه حساسیت بین فرهنگی افراد در محیط واقعی، با توجه به محل سکونت آنان پرداخته می‌شود. قابل ذکر است هریک از یافته‌های تحقیق برای اهل تسنن و تشیع به‌صورت جداگانه محاسبه شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق شامل سه بخش است. در ابتدا میزان کلی حساسیت افراد دو گروه نسبت به یکدیگر سنجیده می‌شود و طبق آن مشخص می‌شود میزان حساسیت افراد کم، متوسط یا زیاد است؛ قسمت دوم یافته‌های تحقیق میزان استفاده افراد نمونه از رسانه‌های مختلف را نشان می‌دهد و پس از آن معناداری یا عدم معناداری آن را با میزان حساسیت‌های بین فرهنگی نمایش می‌دهد. در واقع نتایج این بخش نشان‌دهنده وجود رابطه میان توسعه ارتباطات مجازی و میزان حساسیت‌های بین فرهنگی افراد، یا عدم وجود آن است. در بخش نهایی یافته‌های تحقیق به تبیین رابطه محل سکونت افراد و میزان حساسیت‌های بین فرهنگی آنها می‌پردازد.



۱. میزان حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تسنن و تشیع نسبت به یکدیگر

به‌منظور سنجش شدت حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه نسبت به یکدیگر - صرف‌نظر از اینکه افراد در کدام مرحله از حساسیت‌های بین فرهنگی قرار دارند - سؤالات ۳ تا ۲۹ پرسشنامه به‌عنوان شاخص حساسیت بین فرهنگی در نظر گرفته شدند؛ سپس با استفاده از آزمون دو جمله‌ای شدت حساسیت بین فرهنگی هریک از گروه‌ها نسبت به گروه دیگر محاسبه شد که نتایج آن در جدول‌های ۱ و ۲ نشان داده شده‌اند.

جدول شماره ۱. نتایج آزمون دو جمله‌ای برای سنجش شدت حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تسنن نسبت به شیعیان

سطح معنی‌داری	احتمال مشاهده شده	فراوانی	طبقه‌بندی	حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تسنن
_____	۰/۷۸	۱۲۴	≤ 3	گروه ۱
_____	۰/۲۳	۳۶	> 3	گروه ۲
۰/۰۰۰ ^a	۱/۰۰	۱۶۰	_____	کل



با توجه به جدول شماره ۱ و نتایج آزمون دو جمله‌ای، اعداد مربوط به فراوانی و احتمال مشاهده شده برای هریک از طبقات، نمره کل شدت حساسیت برای گروه ترکمن اهل تسنن از حد متوسط کمتر است.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون دو جمله‌ای برای سنجش شدت حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تشیع نسبت به اهل تسنن

سطح معنی‌داری	احتمال مشاهده شده	فراوانی	طبقه‌بندی	حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تشیع
_____	۰/۸۵	۱۴۵	≤ 3	گروه ۱
_____	۰/۱۵	۲۵	> 3	گروه ۲
۰/۰۰۰ ^a	۱/۰۰	۱۷۰	_____	کل

نتایج آزمون دو جمله‌ای و اعداد مربوط به فراوانی و احتمال مشاهده شده برای هریک از طبقات که در جدول ۲ نشان داده شده‌اند، نشان می‌دهد نمره کل شدت حساسیت برای گروه غیر ترکمن اهل تشیع نیز از حد متوسط کمتر است.

۱. سؤالات این پژوهش طبق مراحل حساسیت‌های بین فرهنگی برای دو گروه به‌طور مجزا طراحی شده‌اند.

۲. رابطه بین میزان استفاده از رسانه و حساسیت بین فرهنگی

نظریه حساسیت‌های بین فرهنگی بر این فرض استوار است که توسعه ارتباطات افراد منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی آنان می‌شود. با توجه به جهانی شدن ارتباطات و توسعه آگاهی افراد نسبت به هم از طریق رسانه‌ها، در این تحقیق میزان تعامل افراد با ابزار ارتباط جمعی - به خصوص رسانه‌های جدید - به عنوان شاخص جهانی شدن در نظر گرفته شده است. در این بخش به منظور بررسی ارتباط میان این شاخص و حساسیت‌های بین فرهنگی، ابتدا میزان تعامل افراد دو گروه با رسانه‌ها سنجیده می‌شود؛ پس از آن همبستگی این عامل با حساسیت‌های بین فرهنگی افراد از طریق ضریب همبستگی اسپیرمن سنجش می‌شود تا این مسئله که آیا ارتباط معناداری میان استفاده از رسانه و حساسیت‌های بین فرهنگی افراد وجود دارد یا خیر، مشخص گردد.

برای توضیح بیشتر مسئله جدول‌های دویجی مربوط به استفاده از ماهواره و اینترنت و یکی از سؤالات پرسشنامه آورده می‌شود. در این جدول‌ها نیز میان عامل استفاده از رسانه و سؤالات انتخاب شده، همبستگی در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، پاسخ برخی سؤالات تشریحی نیز برای توضیح بیشتر ارائه می‌شود.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی میزان استفاده روزانه اهل تسنن از وسایل ارتباطی

میزان استفاده	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی معکوس
خیلی کم	۲۳	۱۱/۳	۱۱/۳	۱۰۰/۰
کم	۱۲۰	۵۹/۱	۷۰/۴	۸۸/۶
متوسط	۵۱	۲۵/۱	۹۵/۶	۲۹/۵
زیاد	۹	۴/۴	۱۰۰/۰	۴/۴
کل	۲۰۳	۱۰۰		

به منظور فهم وجود رابطه میان استفاده روزانه اهل تسنن از وسایل ارتباطی و میزان یا شدت حساسیت‌های بین فرهنگی آنان، بین این دو عامل، ضریب همبستگی اسپیرمن گرفته شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است. در این جدول، ضریب همبستگی با سطح معنی داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. اگر سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر باشد رابطه معنادار است و استفاده روزانه افراد این گروه از رسانه‌ها منجر به کاهش حساسیت بین فرهنگی آنان می‌شود.



جدول شماره ۴. نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن میان استفاده از رسانه و میزان حساسیت بین فرهنگی اهل تسنن

متغیر	استفاده روزانه از وسایل ارتباطی	میزان حساسیت بین فرهنگی	
میزان حساسیت بین فرهنگی	۰/۱۶۷-	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی
	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰	سطح معناداری
	۱۶۰	۱۶۰	فراوانی
استفاده روزانه از وسایل ارتباطی	۱/۰۰۰	۰/۱۶۷-	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰	۰/۰۳۴	سطح معناداری
	۲۰۳	۱۶۰	فراوانی

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد میزان استفاده روزانه اهل تسنن از رسانه‌ها و میزان حساسیت‌های بین فرهنگی آنان رابطه معناداری وجود دارد؛ به این ترتیب که هرچه میزان استفاده افراد از رسانه‌ها افزایش پیدا کند، میزان حساسیت‌های بین فرهنگی آنان نسبت به اهل تشیع کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه از بین رسانه‌های مختلف، ماهواره و اینترنت در ایجاد نگاه فراملی و فرامحلی در افراد مؤثرتر عمل می‌کنند، در ادامه نتایج مربوط به وجود رابطه میان میزان استفاده اهل تسنن از این دو رسانه و یک سؤال از مرحله قوم‌مداری در آنان ارائه می‌شود.

جدول شماره ۵. رابطه میان استفاده یا عدم استفاده از ماهواره و یک سؤال از مرحله انکار تفاوت‌ها در میان اهل تسنن

سؤال: من ترجیح می‌دهم فقط در کنار اهل تسنن زندگی کنم	میزان استفاده از ماهواره	
	بدون استفاده	استفاده‌کنندگان
پاسخ‌های مخالف	۳۴/۱ درصد	۴۰/۴ درصد
بی نظر	۲۲/۴ درصد	۳۰/۸ درصد
پاسخ‌های موافق	۴۳/۵ درصد	۲۸/۸ درصد
کل	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد

سطح معنی‌داری آماره کای اسکور برای جدول فوق ۰/۰۴۹ است که نشان از معنادار بودن رابطه بین این دو متغیر دارد.



نتایج جدول بالا نشان می‌دهد افرادی که از ماهواره استفاده می‌کنند، مخالفت بیشتری با این سؤال قوم‌مدارانه دارند؛ در مقابل افرادی که از این رسانه استفاده نمی‌کنند موافقت بیشتری با سؤال دارند. البته وجود رابطه معنادار میان این دو متغیر به معنای وجود رابطه علی و معلولی نیست و صرفاً بیان‌کننده این نکته است که استفاده از ماهواره می‌تواند مانند سایر متغیرهای بالقوه از جمله سن، جنس، تحصیلات و... با میزان قوم‌مداری افراد مرتبط باشد. کما اینکه در این پژوهش به بررسی رابطه معنادار متغیرهای ذکر شده با میزان قوم‌مداری افراد نیز پرداخته شده است که در مورد جنس و تحصیلات به ترتیب با $0/080$ و $0/006$ رابطه معناداری به دست آمد. اما در مورد سن با $0/493$ چنین رابطه‌ای به دست نیامد. در چنین مواردی نمی‌توان به‌طور دقیق ادعا کرد علت تأثیرگذار بر متغیر مورد مطالعه که در اینجا تمایل به برقراری با قوم خودی است، مربوط به کدام یک از متغیرها است، بلکه می‌توان مجموعه عواملی را که رابطه معناداری با متغیر مورد مطالعه داشته‌اند، به‌عنوان عوامل بالقوه مرتبط در نظر گرفت که استفاده از ماهواره به‌عنوان یکی از متغیرهای مورد مطالعه تحقیق نیز در این مجموعه قرار می‌گیرد. این نکته در مورد استفاده از اینترنت نیز صادق است.

جدول شماره ۶. رابطه میان استفاده یا عدم استفاده از اینترنت و یک سؤال از مرحله انکار تفاوت‌ها در میان اهل تسنن

سؤال: من ترجیح می‌دهم فقط در کنار اهل تسنن زندگی کنم	میزان استفاده از اینترنت	
	بدون استفاده	استفاده‌کنندگان
پاسخ‌های مخالف	۳۲/۶ درصد	۳۸/۶ درصد
بی‌نظر	۱۸ درصد	۳۰/۷ درصد
پاسخ‌های موافق	۴۹/۴ درصد	۳۰/۷ درصد
کل	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد

سطح معنی‌داری آماره کای اسکور برای جدول فوق $0/007$ است که نشان از معناداری رابطه بین این دو متغیر دارد.

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد افرادی که از اینترنت استفاده می‌کنند مخالفت بیشتری با این سؤال قوم‌مدارانه دارند. در مقابل افرادی که از این رسانه استفاده نمی‌کنند با این سؤال بیشتر موافقت می‌کنند.



نتایج این بخش تحقیق نشان داد هرچه میزان استفاده اهل تسنن از رسانه‌های مختلف بیشتر باشد، میزان حساسیت‌های بین فرهنگی آنان کاهش پیدا می‌کند؛ به‌ویژه در مورد اینترنت و ماهواره یعنی رسانه‌هایی که به کسب نگاه فرامحلی کمک می‌کنند، مشاهده می‌شود افرادی که از این دو رسانه استفاده می‌کنند، قوم‌مداری کمتری نسبت به کسانی دارند که از آنها استفاده نمی‌کنند.

در کنار مطالعات پیمایشی، سؤالات بازی نیز برای پاسخگو طراحی شده بود تا از این طریق به شرح عمیق‌تری در خصوص نظر آنان دست یابیم. پاسخ‌های تشریحی که در ادامه ذکر می‌شود، نظرات مختلف افراد را در مورد علاقه آنها به زندگی مستقل و جدا از سایر اقوام و مذاهب بیان می‌کند. در پاسخ به این سؤال که: «اگر امکانی فراهم می‌شد که در آن همه اقوام و مذاهب ایرانی جدا از هم زندگی می‌کردند، آیا شما این امر را می‌پسندیدید یا اینکه تمایل داشتید همه در کنار یکدیگر زندگی کنند»، برخی پاسخگویان بدین شکل پاسخ داده‌اند:

◇ مردی اهل تسنن با ۲۷ سال سن و تحصیلات دانشگاهی در سطح لیسانس که روزانه به‌طور متوسط بین ۱ تا ۳ ساعت از اینترنت استفاده می‌کند، به این سؤال چنین پاسخ داده است:

◆ زمانی که اقوام مختلف به اختلافات مذهبی و قومی دامن بزنند و به این امور واهی تکیه کنند، بهتر است هر قوم و مذهبی در مکان خاصی دور از هم زندگی کنند، اما اگر موازین عقلی بر این امور مقدم باشد و فکر کنند دینی مانند اسلام، دین برابری و برادری است نه وسیله کدورت و دشمنی، بسیار زیبا خواهد بود که در یک جامعه افراد از هر نوع قوم و مذهبی در کنار یکدیگر زندگی کنند.

◇ یک زن سنی مذهب، ۳۲ ساله با تحصیلات فوق لیسانس که در برنامه روزانه خود ۱ تا ۳ ساعت از اینترنت استفاده می‌کند، گفته است:

◆ فرقی نمی‌کند اقوام و مذاهب کجا زندگی می‌کنند؛ مهم طرز تفکر و برداشت و برخورد افراد، نسبت به هم است که باید احترام‌آمیز باشد.

زندگی مسالمت‌آمیز در کنار سایر گروه‌های فرهنگی نیز مورد توجه پاسخگویان این تحقیق بوده است. اتفاق نظر این گروه بر این مسئله بوده که می‌توان با احترام به عقاید یکدیگر، در کنار هم به گونه مسالمت‌آمیز زندگی کرد. در ادامه، نظرات گروهی از پاسخگویان در پاسخ به این سؤال بیان می‌شود: «به نظر شما آیا می‌توان با حفظ عقاید مذهبی خاص خود در کنار سایر گروه‌ها زندگی مسالمت‌آمیزی داشت؟»



◇ مردی از اهل تسنن، ۳۷ ساله با تحصیلات لیسانس که در برنامه روزانه خود از تلویزیون و اینترنت استفاده می‌کند، گفته است:

◆ بله، می‌توان (با هم) بود. ده‌ها سال است که در این شهر و نقاط مختلف کشور، زندگی مسالمت‌آمیز وجود داشته است. عدم زندگی مسالمت‌آمیز مذاهب مختلف، مربوط به گذشته و چند قرن پیش است که به نظر من طرح این موضوعات در این زمانه موضوعیت ندارد. پاسخ‌های تشریحی فوق نشان‌دهنده نوعی نگرش نسبی‌گرایی قومی است و تمایل به زندگی اجتماعی افراد را در کنار یکدیگر نشان می‌دهد. آنچه ارائه شد مربوط به استفاده اهل تسنن از رسانه‌ها بود. در ادامه نتایج مربوط به شیعیان ارائه می‌شود.

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی میزان استفاده روزانه اهل تشیع از وسایل ارتباطی

میزان استفاده	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی معکوس
خیلی کم	۲۱	۱۰/۷	۱۰/۷	۱۰۰/۰
کم	۹۶	۴۸/۷	۵۹/۴	۸۹/۲
متوسط	۶۹	۳۵/۰	۹۴/۴	۴۰/۵
زیاد	۵	۲/۵	۹۶/۹	۵/۵
بدون پاسخ	۶	۳/۰	۱۰۰/۰	۳/۰
کل			۱۰۰	

به‌منظور فهم وجود رابطه میان استفاده روزانه افراد از وسایل ارتباطی و میزان یا شدت حساسیت‌های بین فرهنگی آنان بین این دو عامل، ضریب همبستگی اسپیرمن گرفته شد که نتایج آن در جدول شماره ۸ ارائه شده است. در این جدول، ضریب همبستگی با سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است؛ به این معنا که اگر سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر باشد رابطه معنادار است یعنی استفاده روزانه اهل تشیع از رسانه‌ها منجر به کاهش حساسیت بین فرهنگی آنان می‌شود.



جدول شماره ۸. نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن میان استفاده از رسانه و میزان حساسیت بین فرهنگی اهل تشیع

متغیر	استفاده روزانه از وسایل ارتباطی	میزان حساسیت بین فرهنگی	ضریب همبستگی
میزان حساسیت بین فرهنگی	۰/۰۱۱-	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی
	۰/۸۹۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری
	۱۶۶	۱۷۰	فراوانی
استفاده روزانه از وسایل ارتباطی	۱/۰۰۰	۰/۰۱۱-	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰	۰/۸۹۱	سطح معناداری
	۱۹۱	۱۶۶	فراوانی

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد بین میزان استفاده از رسانه و حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تشیع رابطه معناداری وجود ندارد. در مورد اهل تشیع به یک دلیل عمده نمی‌توانیم چنین رابطه معناداری را مشاهده کنیم؛ زیرا از آنجا که اکثریت مذهبی جامعه ایران را اهل تشیع تشکیل می‌دهند و فرهنگ غالب بیان‌کننده تفکرات آنان است، شیعیان حساسیت چندانی نسبت به این عامل از خود نشان نمی‌دهند و همان‌طور که در نتایج مشاهده می‌شود میزان استفاده اهل تشیع از رسانه‌های مختلف، تأثیری بر حساسیت آنها نسبت به اهل سنت ندارد. از سوی دیگر، نظریه بنت بر نوعی عمل ناخودآگاه تأکید دارد؛ به این معنا که حساسیت‌های بین فرهنگی در «فضای ناخودآگاه ذهن» صورت می‌گیرد؛ لذا تجربه‌های ارتباطی می‌توانند در حوزه ناخودآگاه تکثر و تنوع ایجاد کنند. اگر فضا را خودآگاه فرض کنیم، تأثیر عوامل و حساسیت بین فرهنگی به صورت قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند.

۳. رابطه ارتباطات میان فردی و حساسیت‌های بین فرهنگی

همان‌طور که بیان شد توسعه ارتباطات، منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی افراد می‌شود. به این ترتیب به منظور سنجش رابطه میزان تعاملات میان فردی افراد در محیط واقعی و حساسیت بین فرهنگی آنان، به سنجش این متغیر در بین افراد دو گروه با توجه به محل سکونت آنها پرداختیم.

به منظور بررسی شدت حساسیت اهل تسنن در شهرهای مورد مطالعه، از آزمون کروسکال والیس استفاده شد که نتایج آن در جدول‌های ۹ و ۱۰ ارائه شده است. برای انجام این آزمون ابتدا عدد مربوط به سطح معنی‌داری آزمون کای اسکویر بررسی می‌شود تا معنی‌داری این آزمون تأیید شود.



جدول شماره ۹. نتایج آزمون کروسکال والیس برای سنجش نمره حساسیت بین فرهنگی اهل تسنن با توجه به محل سکونت

حساسیت	آزمون
۸/۱۴۶	کای اسکویر
۲	درجه آزادی
۰/۰۱۷	سطح معنی داری

با توجه به جدول شماره ۹، به دلیل آنکه عدد مربوط به سطح معنی داری یعنی ۰/۰۱۷ از ۰/۰۵ کمتر است، اختلاف معنی دار است. پس از تأیید معنی دار بودن اختلاف، نتایج آزمون کروسکال والیس مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول شماره ۱۰. میانگین رتبه مربوط به حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تسنن با توجه به محل سکونت

میانگین رتبه	فراوانی	شهر محل سکونت
۶۵/۲۸	۵۷	گنبد کاووس
۷۱/۲۵	۲۸	گرگان
۸۷/۲۷	۶۶	آق‌قلا
	۱۵۱	کل

همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ ملاحظه می‌شود بیشترین میزان حساسیت مربوط به ساکنان شهر آق‌قلاست که در آن بیشتر جمعیت اهل تسنن هستند. پس از آن بیشترین میزان حساسیت مربوط به گرگان است که بیشتر ساکنان آن را اهل تشیع تشکیل می‌دهند. اما نتیجه جالب توجه در مورد گنبد کاووس، حاصل شده است که در آن کمترین میزان حساسیت بین فرهنگی دو گروه نسبت به هم مشاهده شده است. خصیصه مهم شهر گنبد کاووس این است که ساکنان این شهر ترکیبی از دو گروه ترکمن و غیرترکمن و به عبارتی دو گروه شیعه و سنی هستند که بیشترین میزان ارتباط دو گروه و بیشترین میزان توسعه روابط دو گروه در میان ساکنان این شهر وجود دارد. آزمون بالا برای گروه اهل تشیع نیز تکرار شد که در مورد این گروه نتایج به شرح زیر است:



جدول شماره ۱۱. نتایج آزمون کروسکال والیس برای سنجش نمره حساسیت بین فرهنگی اهل تشیع با توجه به محل سکونت

حساسیت	آزمون
۱/۹۷۲	کای اسکویر
۲	درجه آزادی
۰/۳۷۳	سطح معنی داری

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، بین میزان حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تشیع با محل سکونت آنها رابطه معناداری وجود ندارد. دلیل عمده آن می‌تواند این باشد که سیاست‌های وحدت‌گرایانه کشور و کثرت جمعیت شیعیان، فضای ارتباطی پذیرفته‌شده تری را نسبت به اهل تسنن فراهم آورده و به همین دلیل حساسیت آنان با این عامل مرتبط نیست.

جدول شماره ۱۲. میانگین رتبه مربوط به حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تشیع با توجه به محل سکونت

میانگین رتبه	فراوانی	شهر محل سکونت
۷۹/۱۲	۵۳	گنبد کاووس
۹۰/۳۹	۹۱	گرگان
۸۱/۳۸	۲۶	آق‌قلا
	۱۷۰	کل

در نهایت پس از بررسی جداگانه میزان حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه بر اساس محل سکونت، در مرحله آخر نمره حساسیت برای کل افراد بدون توجه به مذهب محاسبه شد که نتایج آن در جدول‌های ۱۳ و ۱۴ ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱۳. نتایج آزمون کروسکال والیس برای سنجش نمره حساسیت دو گروه سنی و شیعه با توجه به محل سکونت

حساسیت	آزمون
۷/۳۵۷	کای اسکویر
۲	درجه آزادی
۰/۰۲۵	سطح معنی داری



نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین میزان حساسیت‌های بین فرهنگی افراد دو گروه با توجه به محل سکونت آنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱۴. میانگین رتبه مربوط به حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه تسنن و تشیع با توجه به محل سکونت

میانگین رتبه	فراوانی	شهر محل سکونت
۱۴۳/۷۳	۱۱۰	گنبد کاووس
۱۶۲/۹۹	۱۱۹	گرگان
۱۷۹/۰۷	۹۲	آق‌قلا
۳۲۱		کل

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیشترین میزان حساسیت دو گروه نسبت به یکدیگر در آق‌قلا و سپس در گرگان وجود دارد که میزان تعامل افراد دو گروه در کمترین حد ممکن است. کمترین میزان حساسیت نیز در گنبد کاووس مشاهده شده که البته بیشترین میزان توسعه ارتباطات افراد نیز در این شهر وجود دارد. بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود ارتباطات افراد در محیط واقعی منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی آنان می‌شود.

در ادامه به منظور توضیح بیشتر رابطه بین ویژگی‌های جمعیتی و محل سکونت با حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه اهل تسنن و تشیع، پاسخ‌های تشریحی برخی افراد دو گروه در رابطه با پرسشی که به منظور بررسی مرحله دفاع در برابر تفاوت‌ها طراحی شده است، ارائه می‌گردد: «اگر فرزند شما تصمیم بگیرد در مورد انتخاب مذهب خود تصمیم بگیرد، آیا او را به این امر تشویق می‌کنید یا منصرف؟»

آزاد گذاشتن فرزندان در انتخاب مذهب و تشویق آنان به مطالعه و تحقیق برای شناخت امر صحیح، مسئله‌ای بود که بیشتر پاسخگویان بر آن اتفاق نظر داشتند. این امر نشان‌دهنده انعطاف تفکر افراد در زمینه پذیرش بالقوه عقایدی غیر از عقاید فعلی آنان است. در ادامه تعدادی از این پاسخ‌ها ارائه شده است.

◇ مرد، بالای ۵۰ سال، اهل تسنن، ساکن شهر گرگان:

◆ من همین کار را در مورد سه فرزندم انجام داده‌ام. آنها مذهب خود را تحت شرایط محیط

زندگی و جامعه خود انتخاب کرده و من فقط راهنمای سؤالات مذهبی آنان بوده‌ام.





- ◇ مرد، ۳۷ ساله، اهل تشیع، ساکن شهر گرگان:
- ◆ در اختیار خودش می‌گذارم و فقط او را راهنمایی می‌کنم. چون او انسان و آزاد است و می‌تواند با راهنمایی بزرگ‌تر، تصمیم صحیح بگیرد.
- ◇ مرد ۴۷ ساله، اهل تشیع، ساکن گرگان:
- ◆ او را تشویق می‌کنم تمام مذاهب را مطالعه کند و کامل‌ترین دین را انتخاب کند. وظیفه من این است که او را راهنمایی کنم و اگر جایی به خطا می‌رود، او را منصرف کنم.
- ◇ زن، ۲۲ ساله، ساکن گنبد کاووس:
- ◆ بله، او را آزاد می‌گذارم تا در مورد مذهبی که می‌خواهد، با دیدی باز و اطلاعات کافی انتخاب کند.
- ◇ مرد، ۴۷ ساله، اهل تشیع، ساکن گنبد کاووس:
- ◆ هرکس برای انتخاب مذهب باید مطالعه کند و مذهب دلخواه خود را پیدا کند.
- ◇ مرد، ۴۷ ساله، اهل تشیع، ساکن گرگان:
- ◆ پذیرش اصول دین تعبدی نیست و از آنجا که مذهب در راستای تکمیل عقل و اندیشه انسان و با آن سازگار است، لذا بشر با کسب معرفت، فطرتاً خداجو می‌شود. اما گروهی از افراد در مورد این مسئله احتیاط بیشتری کرده و راهنمایی یک فرد بزرگ‌تر را برای تصمیم‌گیری بهتر، لازم و ضروری دانسته‌اند.
- ◇ مرد، ۲۲ ساله، اهل تسنن، ساکن آق‌قلا:
- ◆ جبر هیچگاه نتیجه مطلوبی نداشته اما آزادی کامل برای نوجوان و جوانی که تجارب چندانی ندارند نیز مشکل به‌بار می‌آورد. هرکس برحسب منطق راه خود را برمی‌گزیند، اما وجود یک راهنما و مشاور در چنین امر حیاتی و مهمی بی‌شک لازم است.
- ◇ مرد، بالای ۵۰ سال، اهل تشیع، ساکن گرگان:
- ◆ راهنمایی لازم، با توجه به مسئولیتی که انسان در برابر فرزندانش دارد، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است.
- ◇ مرد، ۴۲ ساله، اهل تسنن، ساکن گنبد کاووس:
- ◆ پاسخ به این سؤال سخت است و بستگی به شرایط نیز دارد. اگر همه شرایط در مطالعه مذاهب و عقاید فراهم باشد و تبلیغ هم به‌صورت یک‌طرفه نباشد، شاید این امر قابل قبول باشد.

گروه دیگری از پاسخگویان در پاسخ‌های خود، در مقابل این مسئله مقاومت کرده و آن را شیوه صحیحی ندانسته‌اند.

◇ مرد، ۴۲ ساله، اهل تسنن، ساکن آق‌قلا:

◆ بنده از اهل تسنن و مذهب حنفی هستم. از بدو تولد فرزندم، سعی در راهنمایی وی نسبت به اعتقادات و آداب و رسوم خود داشته و او را در این مسیر هدایت و پرورش می‌دهم و اجازه نمی‌دهم به دیگر مذاهب گرایش داشته باشد، اما به اعتقادات آنان کاملاً احترام می‌گذارم.

◇ مرد، ۲۷ ساله، اهل تسنن، ساکن آق‌قلا:

◆ او را از این امر منصرف می‌کنم.

نتیجه‌گیری: ارتباطات نزدیک در محیط‌های مجازی - فیزیکی و تفاهم بین فرهنگی یا «درک بدون ارتباط»

درک نسبت به دیگری، بدون داشتن ارتباطات و اطلاعات، فضای «گمانه» و «عوامل واسطه ارتباطی» را تقویت می‌کند و موجب می‌شود فرد بدون داشتن فهم و اطلاعات دقیق نسبت به دیگری قضاوت و گاه عمل یا واکنش تندی نشان دهد. درک از راه دور بدون درگیر شدن در مسیر زندگی دیگران، فضای خلأهای ارتباطی و ارتباطات ناقص را فراهم می‌آورد و نخستین نتیجه آن عدم انطباق پیام ارسال‌شده با پیام دریافت‌شده است. در واقع نمادهای ارتباطی با فهم‌های متفاوتی رمزگشایی می‌شود و در اینجا یک «پیام بد» به‌راحتی جای «پیام خوب» را می‌گیرد. از همین منظر حساسیت‌های بین فرهنگی در دو فضای «مطلق‌گرایی قومی و فرهنگی» و «نسبیت‌گرایی قومی و فرهنگی» شکل می‌گیرد.

حساسیت بین فرهنگی عامل مؤثری در روابط بین گروه‌های مختلف فرهنگی است که چگونگی آن بر خلأ ارتباطی، ارتباطات همراه با پارازیت ارتباطی و ارتباطات معطوف به واقعیت تأثیرگذار است. تفاهم بین فرهنگی و حساسیت‌های میان فرهنگی دو رویه یک سکه هستند. در واقع هرچه حساسیت‌های افراد نسبت به یکدیگر کاهش پیدا کند، تفاهم میان اعضای گروه‌های فرهنگی مختلف بیشتر می‌شود و تمایل به پذیرش دیگری در آنها بالا می‌رود. این مسئله می‌تواند تحت تأثیر عوامل متفاوتی باشد که طبق نظریه اصلی این پژوهش، توسعه ارتباطات مهم‌ترین عامل مؤثر بر آن است. سرعت گرفتن صنعت ارتباطات چه در قلمرو فضای واقعی که از طریق



صنعت حمل و نقل تحقق پیدا کرده و چه از طریق فضای مجازی که از طریق صنعت همزمان ارتباطات معنا پیدا می‌کند، امکان ارتباطات و نزدیک شدن فضاهای دورافتاده را فراهم کرده است. می‌توان گفت توسعه ارتباطات، به‌عنوان پل انتقال از فضای «مطلق‌گرایی قومی» که همراه با عصبیت و دشمنی نسبت به دیگری است، به فضای «نسبیت‌گرایی قومی و فرهنگی» که منجر به کاهش عصبیت و فهم واقعی نسبت به دیگران است، عمل می‌کند.

باید توجه داشت لزوماً نفی اندیشه و عقاید یا فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی دیگران امری برخاسته از عصبیت و انگاره‌های ذهنی و رفتاری ناخودآگاه نیست بلکه می‌تواند از ظرفیت خودآگاه برخوردار باشد و لزوماً بنیان عصبیت قومی نداشته باشد. شکل‌گیری آگاهی دینی نیز می‌تواند منجر به دستیابی فرد به عقاید منسجم و نفی عقاید دیگران شود. این نوع آگاهی‌های خودآگاهانه منشأ جدال‌های اجتماعی نیست و منجر به رفتار و قضاوت‌های غیرواقعی نمی‌شود. آگاهی دینی منجر به پذیرش عقیده خاص و نفی عقاید دیگران می‌شود اما منجر به روحیه نفی حقوق دیگران نمی‌شود. در واقع خطر اصلی در رویکردهای ناخودآگاه قوم‌مدارانه، انکار حق دیگران و حتی عدم اعتقاد به حق حیات برای دیگران است.

از همین منظر روابط ترکمن‌ها و غیرترکمن‌ها قابل تأمل است. سیر تاریخی روابط دو گروه ترکمن و غیرترکمن در زمینه مذهبی بیانگر این مطلب است که هرگاه فاصله ترکمن‌ها با غیرترکمن‌ها تقریباً زیاد بوده، دشمنی پیروان دو مذهب شیعه و سنی به قضاوت‌های کلامی منتهی نمی‌شد، بلکه تا حد اسارت، غارت و کشتار پیش می‌رفت (یاقوتی، ۱۳۷۹: ۴۴). همان‌گونه که بیان شد، زمانی که دو گروه با یکدیگر ارتباط خاصی نداشتند، دائماً در حال ستیز بودند اما روابط آنان به تدریج و بر اساس نزدیکی سکونتگاه، شکل صلح‌آمیزتری به خود گرفت. نتایج این مقاله در مورد توزیع جمعیتی و توسعه ارتباطات در محل سکونت افراد مؤید این مطلب است. این امر پیش‌زمینه مثبتی از فعالیت را برای مسئولین منطقه ایجاد می‌کند تا با اختصاص حقوق فرهنگی و سیاسی شهروندان به‌صورت عادلانه و دور از تبعیض، زمینه‌های بالقوه‌ای را که موجب وحدت و آرامش بیشتر در منطقه می‌شود، فراهم آورند. همچنین این امر سیاست ادغام جمعیتی را تشویق می‌کند که بر مبنای آن اگر اعضای گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی در کنار یکدیگر زندگی کنند و ارتباط بیشتری با هم داشته باشند، زمینه وحدت و کم‌رنگ شدن اختلافات بیشتر فراهم می‌شود.

توسعه ارتباطات افراد که بنا به گفته بنت، از عوامل مؤثر در کاهش حساسیت‌های بین



فرهنگی دو گروه نسبت به یکدیگر است، به ارتباطات فیزیکی و میان‌فردی در محیط واقعی محدود نمی‌شود؛ به‌ویژه در شرایط کنونی که ارتباطات هم‌زمان و از راه دور نیز توسعه پیدا کرده و ارتباط افرادی را که در جهان واقعی دور از یکدیگر زندگی می‌کنند، تسهیل نموده است. در دوره کنونی با تغییر شرایط ارتباطی جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، روابط اعضای گروه‌های مختلف فرهنگی شکل جدیدی به‌خود گرفته و در سایه دوجوانی شدن‌ها، تغییر و تحول یافته است. از یک طرف توسعه صنعت حمل‌ونقل در دنیای واقعی و محیط فیزیکی، پتانسیل عظیمی را در اختیار افراد قرار داده تا بر محدودیت‌های زمانی و مکانی ارتباط غلبه کنند. از طرف دیگر توسعه هم‌زمان وسایل ارتباط جمعی و صنعت ارتباطات، آگاهی فزاینده از سایر گروه‌ها را آسان نموده و به این ترتیب ارتباطات توسعه‌یافته‌تری را در دنیای فیزیکی و مجازی ایجاد کرده است. این شرایط جدید، زمینه گفت‌وگوهای فراقومی، فراملی، فرانژادی و فرادینی متعددی را ایجاد کرده که منجر به فهم ارزش‌ها، باورها و آداب و رسوم دیگر گروه‌ها می‌شود.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد تعامل بیشتر افراد با رسانه، رابطه معناداری با کاهش حساسیت‌های آنها دارد. آنچه در مورد نقش رسانه‌ها در جهت افزایش آگاهی به افراد گفته می‌شود، لزوماً به انتشار محتوایی خاص از این رسانه‌ها به‌ویژه در مورد مذهب، بر نمی‌گردد. آنچه مدنظر این تحقیق است، فراهم آمدن زمینه مناسبی از گردش اطلاعات و فضای آگاهی‌بخش، به‌همراه افزایش نقش خودآگاه فرد در استفاده از رسانه‌ها، به‌ویژه اینترنت - که رسانه‌ای تعاملی است - و نیز ماهواره - به جهت افزایش حق انتخاب مخاطب در استفاده از محتوای برنامه‌ها - است که موجب می‌شود این فضای اطلاعاتی، در تغییر نظرات مخاطبان مؤثر باشد.

در شرایط کنونی، نزدیکی و ارتباط افراد با یکدیگر، همراه با فرایند جهانی شدن و انقلاب اطلاعات و ارتباطات، شکل جدیدی به‌خود گرفته و به این ترتیب ارتباطات میان‌فرهنگی گروه‌های مختلف، با فاصله‌های مکانی میان آنان محدود نمی‌شود (یون کیم، ۲۰۰۸). بنابراین در دوره کنونی، در تحلیل روابط میان‌فرهنگی گروه‌های مختلف، باید شرایط حاکم بر این روابط در نظر گرفته شود. ضرورت طرح مباحث جهانی شدن ارتباطات و روابط بین فرهنگی نیز به دلیل انتقال ویژگی‌های ارتباطی از دنیای واقعی به جهان مجازی، به همین مسئله برمی‌گردد. به این معنی که اگر تصورات و طرح‌واره‌های ذهنی مثبت و منفی افراد می‌تواند از طریق ارتباط فیزیکی و میان‌فردی در جهان واقعی تغییر کند، ارتباطات در فضای مجازی نیز همین شرایط بالقوه را برای تغییر دیدگاه‌های بین فرهنگی مخاطبان فراهم می‌آورد.



منابع

- ببی، ا. (۱۳۸۱) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، جلد دوم؛ تهران: سمت.
- تامیلنسون، ج. (۱۳۸۱) جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رابرتسون، ر. (۱۳۸۰) جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.
- ساموار، ل. ریچارد ای پورتر و استفانی، ل. (۱۳۷۹) ارتباط بین فرهنگ‌ها، ترجمه غلامرضا کیانی و سید اکبر میرحسینی، تهران: نشر باز.
- سعیدی، ر. و کیا، ع. (۱۳۸۵) نقش جهانی شدن و رسانه‌ها در هویت فرهنگی، تهران: خجسته.
- عاملی، س. (۱۳۸۳) «جهانی شدن‌ها: مفاهیم و نظریه‌ها»، *ارغنون*، دوره ۱۰، شماره ۲۴، صص ۵۸-۰.
- _____ (۱۳۸۴) «دوفضایی شدن شهر: شهر مجازی ضرورت بنیادین برای کلان‌شهرهای ایران»، *فصلنامه انجمن فرهنگ و ارتباطات*، دوره ۲، شماره ۲ و ۳، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- _____ (۱۳۸۰) «تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۱۸، صص ۲۰۰-۱۷۶.
- _____ (۱۳۸۳) «دو جهانی شدن‌ها و آینده هویت‌های همزمان»، در <http://ameli-saied.com/farsi/index.php?op=articles&co=view&ARID=2>
- گل محمدی، ا. (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان گلستان در سال ۱۳۸۵، ۱۳۸۶) *استانداری گلستان*، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر برنامه‌ریزی و بودجه.
- یاقوتی، ح. (۱۳۷۹) *مقدمه‌ای بر فاصله اجتماعی ترکمن‌ها و غیرترکمن‌ها*، تهران: حاج‌طلایی.
- Ameli, S. (2007) "Intercultural Approach to Americanism and Anti-Americanism: British Muslim Impressions of American Before and After 11 September", in *An International Journal of Comparative American Studies*, Vol. 5(1): 39-64.
- Ameli, S. & Mirali, A. (2004a) *Dual Citizenship: British, Islamic or Both: Obligation, Recognition, Respect and Belonging*, London: IHRC Press.
- Ameli, S. , Elahi, M. & Merali, A. (2004b) *Social Discrimination: Across the Muslim Divide*, London: IHRC Press.
- Ameli, S., Azam, A. & Mirali, A. (2005) *Secular or Islamic? What Schools do British Muslims want for their children?*, London: IHRC Press. .
- Ameli, S. & Merali, A. (2006a) *Hijab, Meaning, Identity, Otherization and Politics: British Muslim Women*, London: IHRC Press.
- Ameli, S., Faridi, B., Lindahl, K. & Merali, A. (2006b) *Law & British Muslims: Domination of the Majority or Process of Balance?*, London: IHRC Press.
- Ameli, S. & Marandi, S. M., Ahmed, S., Kara, S. & Mirali, A. (2007) *The British Media and Muslim Representation: The Ideology of Demonization and the Media*, London: IHRC.
- Anderson, H., Lawton, L., Rexeisen, J. & Hubbard, .C.A. (2005) "Short-term Study Abroad and Intercultural Sensitivity: A Pilot Study", in *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 30(4): 457-469.





- Endicott, L., Bock, T. & Narveaz, D. (2003) "Moral Reasoning, Intercultural Development and Multicultural Experiences: Relations and Cognitive Underpinning", in *International Journal of Intercultural Relations*, Vol.27 (-): 403-419.
- Fuller, T. (2007) "Study Abroad Experiences and Intercultural Sensitivity among Graduate Theological Students: a Preliminary and Exploratory Investigation", in *Christian Higher Education*, Vol.6 (-): 321- 322.
- Greenholtz, J. (2000) "Assessing Cross-cultural Competence in Transnational Education: The Intercultural Development Inventory", in *Higher Education in Europe*, Vol. 25(3): 411-416.
- Hammer, M.R., Bennett, M.J. & Wiseman, R. (2003) "Measuring intercultural sensitivity: The intercultural development inventory", in *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 27(-): 421-443.
- Kim, M.S. & Hubbard, E. (2007) "Intercultural Communication in the Global Village: How to Understand "The Other", in *Journal of Intercultural Communication Research*, Vol. 36(3): 223-235.
- Klak, T. & Martin, P. (2003). "Do University-sponsored International Cultural Events Help Students to Appreciate "Difference"?", in *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 27(4): 445-465.
- Matsi, S. (2005) "Globalization and Heterogenization: Cultural and Civilizational Clustering in Telecommunicative Space (1989-1999)", paper presented at annual meeting of the *International Communication Association*, New Orleans Sheraton, New Orleans, LA, 2009-05-26.
- Paige, M. (et. al) (2003) "Assessing Intercultural Sensitivity: an Empirical Analysis of the Hammer and Bennett Intercultural Development Inventory", in *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 27(-): 467-486.
- Redmond, V. & Bunyi, M. (1993) "The Relationship of Intercultural Communication Competence with Stress and the Handling of Stress as Reported by International Students", in *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 17(2): 235-254.
- Teal, R. & Street, L. (2009) "Critical Elements of Culturally Competent Communication in the Medical Encounter: A Review and Model", in *Social Science & Medicine*, Vol. 68(3): 533-543.
- Westrick, J. & Yuen, Y. (2007) "The Intercultural Sensitivity of Secondary Teachers in Hong Kong: a Comparative Study with Implications for Professional Development", in *Intercultural Education*, Vol. 18(2): 129-141.
- Yon, K. (2008) "Intercultural Personhood: Globalization and a Way of Being", in